

درون داد و برون داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه

عمران عباسپور¹
حسین احمدی سفیدان²

چکیده

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین پدیده‌های تاریخ جهان معاصر است که دستاوردهای مهمی داشته و لذا بررسی بازتاب آن در کشورهای اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. **هدف:** هدف از انجام این تحقیق، بررسی برون‌دادها و درون‌دادهای تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشور سوریه بود. **روش:** برای تحلیل داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی و نظریه سیستمی استفاده شده است. **یافته‌ها:** کشور سوریه به خاطر شرایط ویژه، در تعامل آشکار با انقلاب اسلامی بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان برون‌داد جهانی ایران، در ابعاد مختلف کشور سوریه تأثیرگذار بوده است. **نتیجه‌گیری:** درون‌داد انقلاب اسلامی ایران در سوریه، کنترل و مهار جنبشهای اسلامی سوریه و برون‌داد آن، شکل‌گیری خط مقاومت قوی برای کنترل و مهار رژیم صهیونیستی و عراق و جلب حمایت ایران برای مقابله با گروههای تکفیری - سلفی است.

واژگان کلیدی: بازتاب، انقلاب اسلامی ایران، سوریه، نظریه سیستمی، درون‌داد، برون‌داد.

دریافت مقاله: 97/06/20؛ تصویب نهایی: 98/03/17.

1. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)، نشانی: تبریز، خیابان 29 بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه معارف اسلامی / شماره: 04133377471 / Email: o.abaspour@tabrizu.ac.ir
2. دکتری علوم سیاسی. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز.

الف) مقدمه

جوامع انسانی با پدیده‌های مختلف سیاسی روبه‌رو می‌شوند که شناسایی آنها در پیش‌بینی وقایع آینده اجتماع بشری و کنترل آنها، اهمیت و نقشی اساسی دارد. بررسی این وقایع به دو صورت امکان‌پذیر است. گاهی این وقایع با اطلاعات جزئی بررسی می‌شوند؛ کارایی این نوع بررسی برای پیش‌بینی و کنترل وقایع آینده، کم است. گاهی هم این وقایع با نظریه‌های کلان‌نگر بررسی می‌شوند. در این نوع نظریه‌ها، نخست یک قاعده کلی پی‌ریزی می‌شود و آنگاه توسط این قاعده کلی، پدیده‌های اجتماعی شناسایی و کنترل می‌شوند. از جمله این قواعد کلان‌نگر، نظریه سیستمی است.

صدور انقلاب از دغدغه‌های مهم مسئولان انقلاب اسلامی ایران، پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران بود. این مسئله از دو نظر برای آنان مهم بود. از یک سو، انقلاب ایران با شعار اسلام و حمایت از تمام مستضعفان شروع شده بود و مسئولان اولیه انقلاب با همان شور و شعور انقلابی، خود را موظف می‌دانستند در هر کجای دنیا مستضعفی است از او حمایت کنند و از سوی دیگر، در صورت خلاصه کردن فعالیت در داخل کشور، استکبار جهانی همواره تلاش می‌کرد مشکلات جدیدی را برای انقلاب نوپای اسلامی ایجاد کند. از این رو، مسئولان نظام بر آن شدند دشمن را در جای دیگری مشغول کنند تا بتوانند نسبت به سازندگی و پی‌ریزی بنیادهای مورد نیاز نظام جمهوری اسلامی ایران، اهتمام ورزند.

با توجه به ابعاد جهانی انقلاب ایران، کشورهای مختلفی از جمله سوریه، از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند. سؤال اصلی مقاله این است که: برون‌دادها و درون‌دادهای تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشور سوریه چیست؟ بنابر این، مسئله مقاله حاضر، بازخوانی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه است. در این مقاله، از نظریه سیستمی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. فرضیه مقاله حاضر این است که: پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان برون‌داد جهانی ایران، در درون‌دادها و برون‌دادهای کشور سوریه تأثیر داشته است.

ب) پیشینه تحقیق

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین اتفاقات بین‌المللی قرن بیستم میلادی است که از جهات مختلفی مد نظر پژوهشگران مباحث اجتماعی و سیاسی بوده است. از جمله مهم‌ترین مباحثی که در خصوص انقلاب اسلامی توجه اندیشه‌ورزان را جلب کرد، بحث تأثیر انقلاب اسلامی بر عرصه بین‌المللی بوده است. ابراهیم برزگر (1391) با توجه به نظریه‌های موجود درباره بازتاب سیستم‌های سیاسی جدید، تأثیرات انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. منوچهر محمدی (1386) به بررسی تأثیرهای انقلاب اسلامی ایران در کشورهای

515 ♦ درون‌داد و برون‌داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه

مختلف جهان، به خصوص کشورهای اسلامی پرداخته است. رضاپور (1393) تأثیرات ساختاری و کارکردی انقلاب اسلامی بر عرصه بین‌المللی را بررسی کرده است.

قهرمان پوربناب (1379) تأثیر انقلاب اسلامی را بر ترکیه در ارتباط با سه عنصر دولت، مردم و جنبشها؛ حسن تلاشان و الماس نصر دهنزیری (1393) تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر تونس و راضیه قاسمی (1393) تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر کشور مصر بررسی کرده‌اند. جلال درخشه و سید مرتضی مفیدنژاد (1391) در بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر مردم ترکیه، به این نتیجه رسیده‌اند که انقلاب اسلامی در سه حوزه احیا، هویت‌بخشی و سازماندهی مردم مسلمان ترکیه نقش غیر مستقیم داشته است.

سکینه گرمابدشتی (1393) به تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب الله لبنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی پرداخته است. فیروز نجفی (1387) نیز «تأثیرات انقلاب اسلامی بر شیعیان عراق» را در زمانهای قبل و بعد از سقوط رژیم صدام بررسی کرده است.

امتیاز تحقیق حاضر نسبت به اکثر پژوهشهای انجام‌شده این است که بر خلاف آنها، دارای چارچوب نظری است و با توجه به نظریه سیستمی، برون‌دادها و درون‌دادهای تأثیر انقلاب اسلامی بر سوریه را بررسی کرده است.

ج) تمهیدات نظری

نظریه سیستمی در تحلیل وقایع سیاسی نقش مهمی را ایفا می‌کند. طبق این نظریه، هر یک از کشورها جزئی از سیستم جامعه جهانی‌اند. بنابر این، اتفاقات کشورهای مختلف، تنها به همان کشور اختصاص ندارند؛ بلکه به صورتهای مختلف بر سایر کشورها و افراد ساکن در آنها به عنوان یک کل تأثیر می‌گذارند. در بحث تعامل با کشورها، کشورهای مختلف با مسائل مربوط به خود درگیر بودند؛ اما سوریه به عنوان کشوری اسلامی، از حساسیتهای ویژه‌ای برخوردار بود. در این زمینه یکی از مدلهایی که در تحلیل چگونگی روابط ایران و سوریه می‌تواند توضیح‌دهندگی خوبی داشته باشد، نظریه سیستمی است. نظریه سیستمی یکی از نظریه‌های میان‌رشته‌ای است که در همه رشته‌های علوم طبیعی و علوم انسانی به نحوی کاربرد پیدا کرد و پس از آن در علوم سایبرنتیک، علوم اجتماعی و با تأخیر در علوم سیاسی وارد شد. البته سیستم‌های زیستی جهت‌دهی خود را از درون جانداران می‌گیرند؛ در حالی که سیستم‌های اجتماعی عامل حرکت خود را از بیرون و از انسانها می‌گیرند. (دورسون، 1381: 41)

1. تعریف سیستم

سیستم مجموعه واحدی است که از اجزای مرتبط و وابسته به یکدیگر تشکیل شده است. با توجه به این تعریف، هر سیستم اجزایی دارد که در ارتباط با همدیگرند و هرگونه تغییری در یک عضو، موجب تغییر در اجزای دیگر خواهد شد. (لیل جان، 1384: 116)

2. ویژگی‌های سیستم

کلیت: این اصل حاکی از برتری سیستم به مثابه یک کل بر اجزایش است.

عنصر: کوچک‌ترین واحد سیستم که قادر به اجرای یک کارکرد نسبتاً مستقل است.

ارتباط سیستم: مجموعه‌ای از عناصر و اجز که بر یکدیگر تأثیرات متقابل دارند و تغییر در هر یک از عناصر، به تغییر در سایر عناصر سیستم و کل سیستم تسری می‌انجامد. (همان: 3)

3. ارکان سیستم

یک (محیط): هر سیستم با محیط خود در تعامل است. برای درک بهتر تعاملات سیستم سیاسی محیط، باید میان عناصر درون‌اجتماعی و برون‌اجتماعی تمایز قایل شد. در محیط درون‌اجتماعی، سیستم‌های چهارگانه اکولوژیک (بوم‌شناسی)، بیولوژیک (زیست‌شناسی)، شخصیتی (روان‌شناسی) و اجتماعی وجود دارند که سیستم اجتماعی خود به زیرسیستم‌های فرهنگی، ساختار اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی تقسیم می‌شود. سیستم‌های برون‌اجتماعی را نیز می‌توان به گونه‌ای به سیستم سیاسی بین‌المللی، سیستم اقتصادی بین‌المللی و سیستم فرهنگی بین‌المللی تقسیم کرد. (چیکوت، 1378: 239)

دو (تعادل و بقای سیستم و فشارهای محیطی): هدف اساسی در هر سیستم سیاسی، حفظ و بقای خود و تلاش برای دوام و حفظ تعادل در مقابل فشارهای محیطی است. تعادل و بقا، جزء ذات تحلیل سیستمی است و همه تعاملات سیستم سیاسی با محیط خود برای حفظ تعادل است. این نکته در قبال فشارهای وارده از محیط درون‌مرزی و برون‌مرزی قابل درک است. فشارهای عوامل و تغییرات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با اتخاذ تدابیر جدید خنثی می‌شود و سیستم، خود را با وضعیت جدید منطبق کرده، تعامل خود را باز تولید می‌کند. شدت اثر فشارها، ممکن است سیستم را در معرض فروپاشی قرار دهد. (قوم، 1373: 39)

سه (ورودی‌ها): ورودی‌های سیستم یا درون‌دادها، نشان‌دهنده تأثیرگذاری عوامل محیطی بر سیستم سیاسی‌اند. ورودی‌ها شامل تقاضاها و حمایتهاست.

«تقاضاها» بیان‌کننده چگونگی تأثیرگذاری محیط بر سیستم سیاسی‌اند و طیف وسیعی را در بر می‌گیرند که می‌تواند از محیط درون‌اجتماعی و برون‌اجتماعی ناشی شود. مطالبات برون‌مرزی، از جوامع

517 درون‌داد و برون‌داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه

دیگر نشأت می‌گیرد و مطالبات درون‌مرزی، از خواسته‌ها و عقاید و سلیق و منافع همان جامعه. تقاضاها در قالب اعمال فشار بر سیستم سیاسی عمل می‌کنند. تقاضا در دو وضعیت به فشار تبدیل می‌شود: عدم ارضای تقاضا یا بار اضافی آن، به نحوی که ساختار شکنانه و بیش از ظرفیت سیستم سیاسی باشد.

«حمایتها» از اجزای مهم «ورودی» سیستم سیاسی و عامل اصلی در تداوم و بقای سیستم سیاسی‌اند. حمایتها گاه رفتاری‌اند و در کنشهایی مانند حمایت از تصمیمات دادگاهها، رأی دادن به نامزدها، پرداخت مالیات، پیوستن به نیروهای مسلح و جز آن خود را نشان می‌دهند. البته عدم حمایت می‌تواند در رفتارهای متضاد نیز جلوه‌گر شود. شکل دیگر حمایت، جنبه گرایشی دارد و به چارچوب ذهنی حمایتی برمی‌گردد؛ یعنی وضعیتی که در قالب مجموعه‌ای از تمایلات یا آمادگی روانی برای حمایت و اقدام به نفع یک فرد یا سیستم اطلاق می‌شود. مواردی مانند افزایش مخالفت با سیستم سیاسی، شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها یا جنبشها یا گروههای جدید مخالف، تغییر رفتار اپوزسیون از تاکتیک مسالمت‌آمیز به رفتار خشونت‌بار، شاخصهای کاهش حمایت از سیستم سیاسی تلقی می‌شود. (برزگر، 1391: 90)

چهار) خروجی‌ها یا برون‌دادها: ورودی‌ها، ناآرامی‌ها و تغییرات محیطی را به سیستم منتقل می‌کنند. خروجی‌ها نیز نشان‌دهنده تأثیر سیستم سیاسی بر محیط اطراف و اعضای خود و کانالهایی برای کسب حمایت از محیط‌اند. تطبیق با محیط، اصلی‌ترین کارکرد خروجی‌هاست. کسب حمایت از برون‌دادها، در قالبهای سه‌گانه ذیل است: اتخاذ خروجی‌های مناسب و خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مقتضی؛ استفاده از نیروهای جبری و ایجاد باورهای درونی در شهروندان نسبت به حقانیت سیستم و برانگیختن احترام درونی و آمادگی روانی آنان به حمایت از سیستم.

پنج) بازخوردها: نشان‌دهنده تأثیرگذاری خروجی‌ها بر ورودی‌هاست. بازخوردها، اطلاعات بازگشتی از وضعیت سیستم و پیامدهای ناشی از کنشهای تنظیم‌کننده یا تطبیق‌دهنده‌اند.

تحلیل سیستمی به دلیل توانایی در گردآوری اطلاعات پراکنده و به ظاهر ناپیوسته بسیار و برقراری ارتباط معقول بین متغیرهای پراکنده و متکثر، از ظرفیت توضیح‌دهندگی زیادی برخوردار است.

د) ابزارهای صدور انقلاب

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی (از حامیان بزرگ رژیم صهیونیستی در منطقه) با تکیه بر ملی‌گرایی فارسی و کشورهای عربی با تکیه بر ملی‌گرایی عربی، تنشهایی را در مقابل ایجاد وحدت کشورهای اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی به وجود آورده بودند و ایران، تهدیدی برای کشورهای عرب منطقه به شمار می‌رفت و به عللی کشورهای استعماری از این اختلاف استقبال می‌کردند.

518 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 80

در چنین شرایطی، کشورهای ایران و سوریه با توجه به واقع شدن در دو قطب قدرت جهانی (آمریکا و شوروی)، تهدیدی برای همدیگر بودند (درویشی و فیاضی، 1395: 75). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بعضی از این مشکلات از بین رفت. در این میان، عواملی در بحث ایجاد وحدت در بین کشورهای منطقه نقش داشتند که برخی از آنها عبارت بودند از:

- منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی؛
 - مرکزیت عربستان برای رشد دین اسلام در مراحل اولیه؛
 - موقعیت راهبردی خاورمیانه عربی و حضور و رقابت جدی قدرتهای بزرگ؛
 - مقوله نفت؛
 - موفقیت انقلاب اسلامی در سرنگونی رژیم شاه که در جهان عرب مورد نفرت بود؛
 - سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران با رویکرد ضد غربی، به خصوص ضد آمریکایی؛
 - محتوای اجتماعی انقلاب اسلامی با ماهیت مترقیانه و توجه به مصالح توده‌ها؛
 - ماهیت اسلامی انقلاب که یکی از علل تأیید انقلاب اسلامی بود. (حسیب، 1373: 35-36)
- در مقابل عوامل پیش گفته، عواملی هم برای ایجاد تنش در منطقه وجود داشتند؛ از جمله:
- شیعه - سنی و عربی - عجمی بودن مسائل بین کشورها؛
 - رقابت دیرپای ایران، عربستان و عراق در مسائل مذهبی، سیاسی و نفتی و شدت گرفتن این رقابت با پیروزی انقلاب اسلامی؛
 - برتری جویی اعراب به لحاظ خاستگاه تاریخی و جغرافیایی اسلامی؛
 - مرکزیت ایدئولوژیکی انقلاب ایران برای رونق دادن به مکتب تشیع در مقابل 90 درصد اهل سنت منطقه.

در این میان، امام خمینی (ره) برای ایجاد وحدت اسلامی و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای آشوب زده اسلامی، دست به ابتکاراتی زد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

روز قدس: بعد از شکستهای مختلف و خیانت بعضی از کشورهای اسلامی در مسئله فلسطین، این بحث به صورت یک عقده برای مردم مسلمان منطقه در آمده بود. در چنین فضایی، امام خمینی برای ایجاد نشاط اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی، دست به ابتکاری زد که هیچ یک از کشورهای اسلامی نمی‌توانستند آن را رد کنند: «از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند. و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم

درون‌داد و برون‌داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه ♦ 519

مسلمان اعلام نمایند» (امام خمینی، 1389، ج 9: 268). مردم مسلمان منطقه به تبعیت از این اقدام امام خمینی، تحرکاتی را شروع کردند و با ماهیت دینی و ضد آمریکایی- صهیونیستی انقلاب آشنا شدند و روح ایستادگی در مقابل استعمار در آنان نمایانگر شد.

در کنفرانس قدس، 19 هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف شرکت داشتند و به مدت سه روز برای کشف راه حلها و مراحل اقدام، به بحث و تبادل نظر پرداختند و مباحث مختلفی را با محوریت ایران برای اسلامی سازی بحث قدس و تلاش برای آزادی آن مطرح کردند. (حسنت‌زاده، 1385: 32-33)

حج: به عنوان وظیفه اسلامی تمام مسلمانان جهان و کنگره عظیم اسلامی که سالانه یک بار تکرار می‌شود، تأثیر زیادی در صدور انقلاب داشت. مسئولان نظام، به ویژه حضرت امام (ره) تلاش کردند از این فرصت به طور کامل استفاده کنند که صدور بیانیه‌های امام خمینی در این خصوص، از نمونه‌های بارز آن است. «روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را». (امام خمینی، 1389، ج 20: 316)

نفت: به عنوان یکی از کالاهای مورد نیاز کشورهای صنعتی، بیشترین نقش را در تبادلات صنعتی و سیاسی بین کشورها ایفا کرده است. از یک سو صنعت کشورهای صنعتی و از سوی دیگر اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت، به فروش نفت وابسته است. به همین سبب، این کالا نقش اقتصادی مهمی در تعاملات کشورهای مختلف داشته است که از نمونه‌های آن می‌توان به استفاده کشورهای نفت‌خیز منطقه در مهار کشورهای حامی رژیم صهیونیستی طی تشنه‌های قبل از انقلاب اشاره کرد که متأسفانه به علت وابستگی کشورهای منطقه و تلاش برای مهار انقلاب، بعد از انقلاب اجازه استفاده از این کالا در راستای مهار کشورهای استعماری داده نشده است.

سفرهای مسئولان نظام: بعد از انقلاب، مقاومتهایی در مقابل آن وجود داشت که علت آنها یا تعارض انقلاب با منافع آنان، یا نداشتن فهم درست از آن بود که در صورت فعالیت مسئولان نظام برای معرفی درست انقلاب، این مشکل حل می‌شد. به همین سبب، مسئولان نظام با سفر به کشورهای مختلف، مردم و مسئولان آن کشورها را با اهداف نظام آشنا ساختند (حسنت‌زاده، 1385: 36-38). این مسائل باعث شد دو تحول اساسی در جنبشهای سیاسی منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رخ دهد:

- در سالهای نخست انقلاب، به نهضت‌های اسلامی که کمتر به پراگماتیسم اسلامی نزدیک بودند، فشار آورد تا با تغییر در اندیشه‌های خود، به عمل‌گرایی بیشتر و پرهیز از تقیّه سیاسی توجه کنند. (همان: 71)

- احزاب ملی‌گرا و چپ‌گرا را به تفکر در زمینه مددگیری از موج اسلام‌گرایی یا همراهی با آن وادار کرد.

ه) جغرافیای سیاسی سوریه

سوریه کنونی که در گذشته همراه با کشورهای اردن، لبنان و فلسطین، سرزمین شام را تشکیل می‌دادند، سابقه‌ای بس دراز در تاریخ دارد که مورخان، این قدمت را به حدود پنج هزار سال پیش می‌رسانند. این سرزمین در طول تاریخ از فرهنگ و تمدن درخشانی برخوردار بوده است. قبل از تسلط مسلمانان بر این کشور، اقوام مختلفی از جمله: سامی، اموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی، هر از گاهی این کشور را سکونتگاه خویش کرده یا آن را در معرض تاخت و تاز قرار داده و نشانه‌هایی از تمدن خاص خود را برای اعصار بعدی به یادگار گذاشته‌اند. با تصرف شام در سال سیزدهم یا شانزدهم هجری به وسیله سپاه اسلام، فرهنگ این دین جدید بر تمدنهای چندین سده اقوام مذکور غلبه یافت. در قرنها پنجم و ششم هجری که مصادف با جنگهای صلیبی بود، حکام بسیار مقتداری در این کشور بر تخت سلطنت نشسته و پرچم جهاد علیه صلیبی‌ها و رومیان را برافراشتند؛ کسانی چون: نورالدین محمود زنگی، صلاح‌الدین ایوبی، عادل ایوبی، ظاهر بیبرس البندقداری، سیف‌الدوله حمدانی و ... که امور جنگی و نظامی را در رأس اقدامات خود قرار دادند و به ایجاد پایگاههای نظامی، ساخت قلعه‌ها، حفر خندقها و ... پرداختند. در قرون بعدی، ممالیک و سرانجام ترکان عثمانی (1918-1516 م) پس از استیلا بر این سرزمین، سیاست پیشگامان خود را تداوم بخشیده، ضمن حفاظت و بازسازی آن آثار اسلامی، به احداث بناهای دیگری نیز پرداختند. پس از این دوره، سوریه به اشغال انگلیس و فرانسه (1920-1918 م) درآمد و در نهایت، سال 1946 میلادی به استقلال رسید.

از لحاظ جمعیتی، طبق آمار سال 2011، جمعیت این کشور 23/5 میلیون است که 90 درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در بین مسلمانان، 74 درصد اهل سنت، 11 درصد شیعه علوی، یک درصد شیعه دوازده امامی، سه درصد دروزی‌ها، پنج درصد اسماعیلیان و پنج درصد سایر مذاهب اسلامی‌اند. جمعیت علویان که شیعه اثنی عشری‌اند، نزدیک به دو میلیون نفر است که در کوههای شمال غرب سوریه به موازات ساحل طرطوس تا انطاکیه ساکن‌اند. علویان پستهای حساسی را در سوریه بر عهده داشته و گفته می‌شود حافظ اسد نیز خود یک علوی بود. (جعفری، 1394: 11-10)

و) تحلیل روابط ایران و سوریه با استفاده از نظریه سیستمی

از زمان استقلال سوریه در سال 1946 تا سال 1950، تنش بین ایران و سوریه وجود نداشت؛ ولی از سال 1950 به بعد، دو عامل مهم موجب بروز تشنجاتی بین ایران و سوریه شد: نخست، ظهور ملی‌گرایی فارسی در ایران و عربی در سوریه (امامی، 1376: 232) و دوم، قرار گرفتن در دو قطب مخالف (ایران در قطب آمریکا و سوریه در قطب شوروی سوسیالیستی) موجب شد این دو کشور به چشم رقیب به همدیگر نگاه کنند.

درون داد و برون داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه ♦ 521

حکومت سوریه به رهبری حافظ اسد، تمایلات سوسیالیستی داشت و خودش را در قطب شوروی مطرح می کرد و در سخن و عمل، این وابستگی را انکار نمی کرد. قبل از پیروزی انقلاب، در سال 1973 با حمایت ایران از اعراب در جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی و ارسال کمکهای مالی و پزشکی، زمینه ای برای تنش زدایی در روابط بین دو کشور ایجاد شد و رابطه بین دو کشور رو به بهبودی نهاد؛ به طوری که در سال 1975 بعد از انعقاد قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، حافظ اسد برای بیرون بردن کشورش از انزوای سفر به ایران را موقعیت خوبی می دانست. به همین خاطر به ایران سفر کرد و توافقاتی را به دست آورد؛ ولی تعلق خاطر این دو کشور به دو قطب مخالف و حمایتهای بعدی ایران از رژیم صهیونیستی، نشان داد این توافقات قابل اعتماد نیستند. با پیروزی انقلاب، موضوع این نوع تشنج بین ایران و سوریه از بین رفت و سردمداران کشور سوریه احساس کردند با توجه به شعارهای انقلاب ایران در تقابل با رژیم صهیونیستی و آمریکا، می توانند به این رقیب دیرین به عنوان رفیق جدید نگاه کنند؛ ولی امکان رابطه بین ایران و سوریه را سه عامل مهم مشخص می کرد:

نخست، حکومت سوریه: دولت سوریه از امتیازاتی برای ایجاد رابطه با ایران، کنترل تهدید نفوذ ایران به مردم سوریه و ایجاد شورشهای داخلی برخوردار بود. کشورهای مخالف انقلاب اسلامی احساس می کردند ظهور انقلاب اسلامی تهدیدی جدی علیه همسایگان است و می تواند موجب تغییر اساسی در میان کشورهای عربی شود (اندیک، 1371: 81-79). این نگرش، رفتارهای سیاسی مختلفی را در پی داشت که در این میان، تعامل با رژیم ناسیونالیستی - سوسیالیستی بعث سوریه از حساسیتهای ویژه ای برخوردار بود.

دوم، اخوان المسلمین سوریه: این گروه، جنبش مردمی اصیل و همه گیر در مقابل حکومت سوریه بود و به انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک فرصت نگاه می کرد. جنبش اخوان المسلمین روندی را برای رسیدن به رشد و بالندگی طی کرده بود که مراحل آن را می توان بدین صورت بیان کرد:

اول: شکل گیری تفکر (سال 1937)؛ در این مرحله تشکیل حکومت اسلامی در اخوان المسلمین سوریه مطرح نبود.

دوم: شکل گیری تفکر دخالت در امور اجتماعی؛ در این مرحله، اخوان المسلمین به دین اسلام به عنوان دین برخوردار از قوانین حکومتی، برای دخالت در امور کشور سوریه توجه نشان داد.

سوم: آغاز دخالت در امور اجتماعی - سیاسی؛ در این مرحله (سال 1951) اخوان المسلمین تلاش داشتند اسلام را به عنوان دین رسمی کشور سوریه اعلام کنند.

چهارم: تلاش برای به دست آوردن موقعیت سیاسی در حکومت سوریه؛ در این مرحله (سال 1976) تلاش داشتند به عنوان نیروی مؤثر در کشور سوریه، سهمی را در دولت به دست آورند.

پنجم: حضور نظامی در سوریه بعد از ناامیدی از دستیابی به قدرت از مسیر مسالمت آمیز؛ در این مرحله (سال 1980) اخوان المسلمین با حضور نظامی و فراخوان عمومی هواداران خود تلاش کردند به تبعیت از

522 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 80

انقلاب اسلامی ایران، حکومت حافظ اسد را سرنگون کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. اخوان المسلمین در نوامبر 1981 سندی را با عنوان بیانیه انقلاب اسلامی سوریه منتشر و اهداف خود را در آن بیان کردند؛ که سرنگونی رژیم بعث از طریق جهاد مسلحانه و تشکیل حکومت اسلامی از مهم‌ترین اهداف آنان بود. (یزدانی و همکاران، 1391: 262)

اقدام دیگر اخوان المسلمین این بود که تلاش کرد لغو ماده هفتم قانون اساسی را که حزب بعث را حزب رهبر جامعه می‌دانست، در اولویت برنامه‌های کنگره ملی قرار دهد و به دنبال این بود که در کنار قانونمندی فعالیت احزاب، انتخابات آزاد برای تأسیس جمعیت ملی پارلمان، برگزار و کمیته بی‌طرفی برای تدوین قانون اساسی سوریه تشکیل شود. (همان: 268)

اخوان المسلمین برای تقویت انقلاب اسلامی ایران اعلام کرد که هرگونه توسل به زور بر ضد انقلاب اسلامی ایران و هرگونه خیانت به آن از طرف دیگر گروهها، به تمام جنبشهای اسلامی در سراسر جهان ضربه خواهد زد. (همان: 279)

جنبش جهاد اسلامی سوریه از همان ابتدا انقلاب اسلامی مردم ایران را تأیید کرد و به حمایت از آن برخاست؛ به طوری که در ماه مه سال 1980، نشریه النذیر، ارگان جبهه اسلامی سوریه، طی بیانیه‌ای بیان داشت: «انقلاب اسلامی ایران، انقلاب تمام جنبشهای اسلامی در جهان اسلام است هر چند که ممکن است مکاتب فکری مختلفی میان این جنبشها وجود داشته باشد» (النذیر، 1980: 25-26). در این بیانیه، حمایت‌های این جنبش از انقلاب ایران به اندازه‌ای بود که حتی گروگانگیری سفارت آمریکا را - که کمتر کشور یا جنبشی می‌توانست آن را تأیید کند - تأیید کرده بودند. (همان)

سوم، حکومت جمهوری اسلامی ایران؛ هم حکومت و هم اخوان المسلمین سوریه انتظار تأیید و کمک از طرف ایران را داشتند و ایران هم در ارتباط با هر یک از آنان محذورات خاص خود را داشت؛ چون از یک سو با دشمن اصلی خود (رژیم صهیونیستی) روبه‌رو بود که در طول سالیان دراز، کشورهای عربی نتوانسته بودند کاری را در مقابل آن پیش ببرند و از سوی دیگر، بحث لبنان برای ایران بسیار اهمیت داشت که به عنوان حیات خلوت جمهوری اسلامی برای کنترل رژیم صهیونیستی، در مرزهای آن پتانسیل بسیار خوبی بود که جدا شدن سوریه از محور مقاومت، مشکلات زیادی را برای ایران و حزب‌الله لبنان ایجاد می‌کرد. همچنین سران کشورهای عربی، ایران را تهدیدی برای اعراب معرفی کرده بودند که سوریه از این اتحاد خارج شده بود و خروج این کشور برای برهم زدن اتحاد اعراب از اهمیت زیادی برخوردار بود. در چنین زمانی، ایران و سوریه دارای دشمنان واحدی بودند که آمریکا در رأس آنها بود. رژیم صهیونیستی و عراق نیز به پشتیبانی آمریکا مشکلاتی را در منطقه ایجاد کرده بودند. از طرف دیگر، اخوان المسلمین سوریه به تبعیت از انقلاب ایران، تحرکاتی را در مقابل حکومت سوریه شروع کرد که شعارها و اهداف انقلاب اسلامی اقتضا می‌کرد ایران از این گروه حمایت و پشتیبانی کند. در واقع؛ اخوان

درون داد و برون داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه ♦ 523

المسلمین به همین امید، انقلاب ایران را انقلاب تمام مسلمانان جهان در مقابل مستکبران می‌دانستند که همه مسلمانان باید از آن حمایت کنند.

در چنین شرایطی، مسئولان انقلاب اسلامی ایران طرف حکومت سوریه را انتخاب کردند و از اخوان المسلمین به علل ذیل حمایت نکردند:

- **تودید در سلامت فکری جنبش:** این جنبش به دلیل گرایش به سوسیالیسم در مباحث اقتصادی، گروه قابل اعتمادی برای جمهوری اسلامی ایران نبود؛ همان‌طور که در بیانیه خود، هدف از قیام را رسیدن به سوسیالیسم اسلامی معرفی کرد. (دکعبان، 1377: 210-208)

- **مسائل دیپلماتیک:** ایران برای برهم زدن وحدت اعراب بر ضد خود به چنین متحدی نیاز داشت.

- **داشتن دشمن مشترک:** از علل عمده روابط بین کشورها، داشتن تهدیدهای یکسان است (درویشی و فیاضی، 1395: 68). در شرایطی که ایران با سه دشمن جدی (آمریکا، رژیم صهیونیستی و عراق) روبه‌رو بود، اتحاد با سوریه برای کنترل رژیم صهیونیستی و عراق اهمیت ویژه‌ای داشت؛ زیرا ایران برای حل مشکلات نمی‌توانست به اخوان المسلمین و پیروزی آنان اعتماد کند. دولت سوریه به رهبری حافظ اسد، آخرین سنگر از کشورهای عربی بود که همچنان در مقابل رژیم صهیونیستی ایستاده بود و با توجه به آرمانهای انقلاب اسلامی علیه رژیم صهیونیستی، تضعیف دولت سوریه به وسیله امواج صدور انقلاب به نفع رژیم صهیونیستی تمام می‌شد. از طرفی نیز صدام می‌خواست با عربی - عجمی کردن جنگ، حمایت بیشتری از دنیای عرب به دست آورد. لذا ارتباط با سوریه برای ایران، بسیار ارزنده و اساسی بود.

ترس و فشار مستمر رژیم صهیونیستی - که به‌طور جدی موجودیت سوریه را تهدید می‌کرد - سبب شد دولت آن کشور چندان فرصت رویارویی با یکدیگر را پیدا نکنند و به آن هم نیندیشند؛ در حالی که صدور انقلاب اسلامی ممکن بود این وفاق نسبی را بر هم زده، به نفع رژیم صهیونیستی تمام شود. حکومت‌های سوریه و ایران با دشمن مشترکی به نام عراق روبه‌رو بودند. با توجه به تلاش صدام برای مطرح کردن خود به عنوان رهبر جبهه عربی و احتمال حمله به سوریه در صورت قدرت گرفتن، حافظ اسد به دنبال متحدی برای مقابله با این رژیم بود. از طرف دیگر، با اینکه انقلاب ایران سران کشورهای عربی را با توجه به دیکتاتوری آنان با بحران مشروعیت روبه‌رو کرده بود، ولی رئیس‌جمهور سوریه از جایگاه مردمی بهتری نسبت به کشورهای دیگر منطقه برخوردار بود. اگر چه این حکومت با خطری جدی از درون کشور به نام اخوان المسلمین روبه‌رو بود که با توجه به برخورداری از جایگاه خوب مردمی، حمایت ایران از این جنبش می‌توانست خطری برای حکومت حافظ اسد باشد. بنابر این توجیحات، سوریه از معدود کشورهایی بود که نه تنها انقلاب ایران را به رسمیت شناخت، بلکه همه حمایت خود را از این انقلاب به کار برد و در مقابل، ایران در مقابل هم‌پیمان نسیه، متحد نقد؛ یعنی حکومت سوریه را انتخاب کرد و در مقابل رژیم صهیونیستی او را تقویت کرد.

1. درون‌داد انقلاب اسلامی ایران در سوریه

اطلاعات سیاسی پیش‌گفته مواد بسیار خوبی برای بیان توضیح‌دهندگی نظریه کلان‌نگر سیستم‌هاست؛ انقلاب ایران یک درون‌داد سیاسی بود که می‌توانست سوریه را با بحران ملی روبه‌رو کند؛ ولی رئیس‌جمهور سوریه توانست با استفاده از برون‌دادهایی از این مسئله به بهترین شکل استفاده کند. از سوی دیگر، احتمال زیادی وجود داشت که انقلاب ایران زمینه‌ای برای قیام اخوان‌المسلمین سوریه شود که اینان بیشترین انگیزه را برای پیگیری انقلاب اسلامی در کشور خود داشتند؛ ولی حافظ اسد با تأیید انقلاب نشان داد که این انقلاب را قبول دارد و خودش در مسیر این انقلاب است. لذا دیگر کسی نتوانست با این بهانه به حرکت موفقیت‌آمیزی در این زمینه اقدام کند.

سوریه از کارشکنی کشورهای سست‌عنصر عربی در مقابل رژیم صهیونیستی خسته شده بود و به دنبال متحد قدرتمند و دارای اراده واقعی برای ایستادن در مقابل رژیم صهیونیستی بود که ایرانی که در رأس آن عالمان دینی انقلابی وجود داشتند، دارای چنین انگیزه‌ای بود. از طرف دیگر، سوریه که با مشکلات زیاد اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کرد، با این حرکت توانست تا حدودی این مشکل را حل کند.

عراق همواره دشمنی جدی برای سوریه بود و با توجه به سوابق صدام حسین و دشمنی او نسبت به رهبران انقلاب ایران و روحیه زیاده‌خواهانه او، احتمال ایستادن او در مقابل انقلاب ایران بالا بود. ایران با این حرکت توانست یک متحد برای خود در مقابل عراق تدارک ببیند. در جنگ ایران و عراق، سوریه با مسئله‌ای چندعاملی روبه‌رو بود. سوریه از یک سو، همواره عراق را خطری جدی برای خود تلقی می‌کرد که می‌توانست در صورت پیروزی در جنگ علیه ایران، جدی‌تر شود. به همین خاطر برای در امان ماندن از این دشمن احتمالی، تا زمانی که احتمال پیروزی ایران را در جنگ نمی‌داد، از ایران حمایت نکرد. از سوی دیگر، پیروزی کامل ایران و شکل‌گیری حکومت شیعی قوی در ایران و عراق برای سوریه وحشتناک بود (حمیدی، 1386: 214). به همین سبب رفتار سوریه در این قضایا به گونه‌ای بود که جنگ ایران و عراق بازنده یا برنده نداشته باشد و این دو رقیب تا حد امکان به مسائل خود مشغول باشند. بنابر این، بعد از شروع جنگ، به طور علنی از هیچ یک از طرفهای جنگ حمایت نکرد. اما به خاطر ترس از پیروزی عراق، تنها به ارسال مخفیانه مقدار بسیار کمی تسلیحات نظامی به ایران اکتفا و از طرفی نیز به گروهها و مخالفان صدام از جمله کردها، کمونیستها، سوسیالیستها و ... کمک کرد. با مشاهده افزایش مقاومت نیروهای ایرانی در برابر متجاوزان عراقی، مواضع دولت سوریه در حمایت از جمهوری اسلامی تغییر یافت و به صورت علنی از ایران حمایت و دولت عراق را به علت آغاز جنگ و حمله به ایران محکوم کرد و عراق را متهم کرد که به عنوان عامل امپریالیسم، جنگ را به نفع آمریکا و برای انحراف اعراب در مبارزه با رژیم صهیونیستی شروع کرده است. (مامی، 1376: 31-30)

مشکل دیگر سوریه در این دوران، جبهه جهاد اسلامی سوریه بود. این تشکل دینی - سیاسی بعد از روی کار آمدن حزب بعث که تمایلات سوسیالیستی داشت، همواره مشکل داشت؛ ولی به خاطر غلبه حزب بعث، جبهه اسلامی نتوانست حرکت قابل توجهی انجام دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

درون داد و برون داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه ♦ 525

و به راه افتادن حرکت‌های اسلامی در لبنان و عراق، رهبران این جبهه از جمله استاد عصام العطار (از رهبران برجسته اخوان المسلمین) در سال 1980 و 1982 بیشترین انگیزه را برای به راه انداختن انقلاب اسلامی در سوریه داشتند. به همین خاطر بعد از یک دهه مباحث علمی، به حرکت‌های نظامی و شورش‌های مردمی روی آوردند که در این جریان، ارتش سوریه با تمام قدرت در مقابل این حرکت ایستاد و در درگیری‌های ارتش با شورشیان در شهر حماه و حلب در فوریه 1982 که حتی با بمباران هوایی همراه بود، افراد غیر نظامی زیادی کشته شدند و عملاً جبهه جهاد اسلامی سوریه از صحنه سیاسی کشور خارج شد. در این مرحله، حکومت سوریه برای کنترل درون‌داد انقلاب اسلامی ایران، از یک طرف آن را تأیید و از طرف دیگر در مقابل گروه‌های اسلام‌گرایی که با حرکت‌های نظامی تلاش داشتند در مقابل حکومت سوریه بایستند، مقابله کرد.

مرحله دیگر درون‌داد انقلاب اسلامی، بعد از جنگ ایران و عراق و سقوط حکومت مستبد صدام حسین در عراق بود. با توجه به خلأ قدرت سیاسی به وجود آمده در عراق بعد از سرنگونی صدام، گروه تکفیری - سلفی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) با حمایت آمریکا و هم‌پیمانانش در سال 2014 اعلان موجودیت کرد. آنها به سرعت بخشهایی از شمال شرقی سوریه را تصرف و شهر رقه را پایتخت خود اعلام کردند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه، به عراق حمله کردند و برخی از شهرهای عراق، به ویژه موصل (دومین شهر بزرگ عراق) را به تصرف خود درآوردند. این جریان منجر به خیزش جنبش‌های مخالف حکومت سوریه شد. بیش از دو سوم خاک سوریه به دست گروه‌های مخالف، اعم از داعش و غیره افتاد و سوریه را وارد جنگ ایدئولوژیک و داخلی فرسایشی کرد. در این نزاع، عربستان به دستور آمریکا و هم‌پیمانانش در کنار برخی گروه‌های سلفی - تکفیری قرار گرفت و خواستار سرنگونی دولت سوریه شد. اما ایران به همراه روسیه در کنار دولت قانونی سوریه ایستاد و از امکانات و ظرفیتهای خود، به ویژه نیروهای مقاومت، برای مهار بحران در منطقه استفاده کرد. بسیج و آموزش نیروهای مردمی سوریه توسط مستشاران نظامی ایران، توان دفاعی و تهاجمی ارتش سوریه را افزایش داد و مرحله به مرحله شهرهای اشغال‌شده را آزاد کردند. شکل‌گیری نیروی مقاومت در سوریه، درون‌داد دیگری از انقلاب اسلامی ایران بود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای جامعه سوریه درون‌دادی است که در این عضو منطقه‌ای تأثیرات متفاوتی ایجاد کرد؛ از یک سو به هم خوردن تعاملات سیاسی منطقه برای سوریه مهم بود و از سوی دیگر، مشکل تأثیرپذیری اخوان، با وجود منافع یا ضررهای احتمالی، مشکلات زیادی را برای سوریه ایجاد کرد. سوریه در مقابل این درون‌داد، برون‌دادهای متفاوتی را از خود نشان داد. سوریه به خاطر منافع، از اولین کشورهایی بود که در جامعه بین‌المللی، انقلاب ایران را تأیید کرد. این برون‌داد، موفقیت‌هایی را برای ایران ایجاد کرد؛ زیرا هم اتحاد عربی علیه انقلاب را بر هم زد و راه حضور ایران را در منطقه راهبردی لبنان هموار کرد. ولی برون‌داد داخلی این کشور برای ایران خوشایند نبود؛ زیرا سرکوب و حشيانه جنبش جهاد اسلامی با شعارهای اصلی و اولی انقلاب که هدف ایران را حمایت از تمام

حرکتهای حق‌طلبانه و مظلومان جهان اعلام کرده بود، سازگاری نداشت. از یک سو ایران در دو جبهه عراق و لبنان درگیر بود و از دست دادن این متحد در وسط این دو کشور به ضرر ایران تمام می‌شد و از سوی دیگر، جنبش جهاد اسلامی که با تمام وجود از انقلاب و رهبر آن حمایت کرده بود، انتظار حمایت از طرف ایران را داشت که ایران به خاطر محذورات بین‌المللی پیش‌گفته، با وجود تلاش جهاد اسلامی سوریه، نتوانست از آن حمایت کند.

2. برون‌داد انقلاب اسلامی ایران در سوریه

سوریه از اوایل جنگ به صورت مخفیانه و گاه تلویحی، از ایران حمایت می‌کرد؛ ولی با پیروزی‌های اولیه ایران در جنگ، شکل علنی‌تری به خود گرفت؛ به طوری که سوریه ضمن معرفی عراق به عنوان متجاوز، کمکهای زیادی در جنگ به ایران کرد. با کمک سوریه و سایر کشورهای جبهه مقاومت (الجزایر، یمن جنوبی، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین)، کنفرانس سال 1980 کشورهای محافظه‌کار و ارتجاعی عرب در آمان، بی‌رونی و بی‌تأثیر برگزار شد. سوریه در سال 1982 با درخواست ایران، خط لوله نفت عراق را قطع کرد که این حرکت، پیروزی مهمی برای ایران تلقی می‌شد؛ زیرا از یک سو این خط لوله، شریان اقتصادی عراق در حال جنگ بود و از سوی دیگر، این نوع برخورد سوریه، جبهه متحد اعراب سازشکار را در مقابل ایران بر هم می‌زد. (محمدی، 1386: 214-213)

بنابر این، درون‌داد سیاسی ایران در حرکتهای بین‌المللی سوریه، برون‌دادهای مختلفی را ایجاد کرد. اولاً، سوریه با حمایت از ایران، حمایت کشورهای جبهه مقاومت را به خود جلب کرد. ثانیاً، سوریه متحد قوی و مهمی را در مقابل عراق پیدا کرد. ثالثاً، این کشور از لحاظ اقتصادی در وضعیتی نبود که بتواند در مقابل کشورهای ثروتمند منطقه قدم علم کند؛ بنابر این، با برون‌داد قطع لوله نفت، حمایت اقتصادی ایران را به خود جلب کرد و ایران برای جبران ضرر اقتصادی سوریه، معادل ضررهای سوریه از قطع لوله نفت عراق، نفت مجانی در اختیار سوریه قرار داد (مامی، 1376: 243) و حمایت‌های سوریه از ایران در جریان جنگ ایران و عراق و همچنین حمایت از گروههای مقاومت، باعث تقویت روابط ایران و سوریه شد.

برون‌داد دیگر انقلاب اسلامی ایران در سوریه، همراهی نکردن سوریه از سیاست‌های کشورهای مرتجع عرب منطقه به پدرخواندگی عربستان سعودی برای مقابله با ایران بود. رؤسای جمهور سابق و فعلی سوریه در قبال ایران، سیاست مشترکی را اتخاذ کردند و این اقدام باعث عصبانیت عربستان شد و پادشاه عربستان در اقدامی آشکار، سوریه را از اتحادیه عرب اخراج و از گروههای مخالف دولت سوریه حمایت کرد و از مفتی‌های وهابی درخواست کرد فتوای جهاد را برای سرنگونی بشار اسد، رئیس‌جمهور قانونی سوریه صادر کنند. پس از آن نیز زمینه پیوستن افراد سلفی - تکفیری را از تمام نقاط جهان برای حضور در سوریه فراهم کرد. کشورهای عربی نیز به تأسی از عربستان سعودی، سفارت خود را در سوریه تعطیل کردند. در حال حاضر با گذشت بیش از پنج سال از آغاز جنگ در سوریه، داعش هیچ قلمرو سرزمینی برای حکومت

درون‌داد و برون‌داد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سوریه ♦ 527

خودخوانده خویش ندارد و به طور رسمی شکست خورده است. شهید قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی (1396/08/30)، پایان حکومت داعش را اعلام و پس از او، پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز آن را تأیید و تکرار کرد و پرچم سوریه در تمام شهرها به اهتزاز درآمد. در پی این رخداد، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم گرفت نیروهایش را از سوریه خارج کند و کشورهای عربی نیز یکی پس از دیگری اقدام به بازگشایی سفارتخانه‌های خود در سوریه کردند. هر چند با حمایت کشورهای غربی و آمریکا و برخی کشورهای مرتجع منطقه غرب آسیا، هنوز فعالیت برخی از گروهکهای تکفیری به صورت پراکنده ادامه دارد، اما با همراهی و حمایت مردم از دولت و حاکمیت سوریه، شاهد سرنگونی بقایای آن نیز خواهیم بود.

ز) بحث و نتیجه‌گیری

بی‌گمان انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین حادثه سیاسی - اجتماعی اواخر قرن بیستم بود که موجب اعجاب و تحیر صاحب‌نظران شد و متفکران را بر آن داشت که از منظرهای مختلف، آن را بررسی کنند. آنچه بیش از همه درباره انقلاب، مطالعه و بررسی شده، بازتاب منطقه‌ای و جهانی آن است. انقلاب اسلامی ایران در سال 1979 میلادی یک زلزله مهم سیاسی در منطقه خاورمیانه بود که پس‌لرزه‌های آن در اکثر کشورهای جهان، به خصوص کشورهای مسلمان مشاهده شد. می‌رفت که این زلزله سیاسی در بیشتر کشورهای اسلامی خودش را نشان دهد؛ ولی کشورهای استعماری متوجه این خطر شدند و با ابتکاراتی مثل عربی - عجمی و شیعی - سنی کردن جریانات سیاسی و با حل موضعی مشکلات مردم، مانع خیزش و بیداری ملت‌های مسلمان شدند. با این حال، انقلاب اسلامی تأثیرات خود را به جا گذاشت و امروز نشانه‌های آن در قالب حرکت‌های عمیق مردمی در تونس، مصر، بحرین، مغرب و یمن، نمایان است.

درون‌داد‌های بازتاب انقلاب اسلامی ایران در سوریه با تدبیر دولت این کشور در حمایت از انقلاب ایران توانست جلوی شورش جنبش‌های اسلامی همچون اخوان المسلمین و جبهه جهاد اسلامی را بگیرد. در برون‌داد بازتاب انقلاب اسلامی در سوریه باید گفت سوریه با توجه به دشمنی و مخالفت‌هایی که با رژیم صهیونیستی و صدام حسین داشت، در جریان جنگ ایران و عراق به کمک ایران آمد. ابتدا گروه‌های مخالف صدام حسین را تجهیز و به صورت مخفیانه از ایران حمایت کرد؛ سپس با ملاحظه تغییر توازن نبرد به نفع ایران، حمایت از ایران را علنی و حتی به درخواست ایران، خط لوله انتقال نفت عراق را قطع کرد. همچنین بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، در اتحادیه عرب از سیاست‌های کشورهای مرتجع عرب به سرپرستی عربستان سعودی برای مقابله با ایران حمایت نکرد؛ که تاوان آن، اخراج از اتحادیه عرب و تجهیز و تحریک گروه‌های سلفی - تکفیری مخالف دولت قانونی سوریه توسط جبهه غربی - عربی بود. گروه‌های تروریستی - تکفیری بیش از دو سوم خاک سوریه را به اشغال خود درآوردند. با حمایت روسیه

528 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 80

و ایران و گروههای مقاومت از دولت قانونی سوریه، گروهکهای سلفی - تکفیری، به ویژه داعش، شکست خوردند. هرچند مناطق بسیار کمی به صورت پراکنده در اشغال این گروهکها قرار دارد، اما با این وجود، دولت سوریه با همراهی متحدان خود به دنبال تثبیت حاکمیتش در تمامیت ارضی سوریه است.



منابع

- امامی، محمدعلی (1376). سیاست و حکومت در سوریه. تهران: وزارت امور خارجه.
- اندیک، مارتین (1371). «توازن قدرت و موقعیت آمریکا در خاورمیانه». دیدگاهها و تحلیلهای، ش 65.
- برزگر، ابراهیم (1391). نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تلاشان، حسن، نصر دهنزیری، الماس (1393). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس». سیاست، ش 32.
- جعفری، مجید (1394). سوریه در بحران. کرج: آبارون.
- جلال درخشه جلال درخشه، سید مرتضی مفیدنژاد (1391). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در تونیس». پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش 2.
- چیلکوت، رونالد (1378). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- حسیب (1373). «دیدگاه‌های رئیس مرکز مطالعات و وحدت عربی و دبیر کل کنگره قومی عربی». دیدگاهها و تحلیلهای، ش 8.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (1385). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله (1389). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ پنجم.
- درویشی سه‌تلانی، فرهاد و حامد فیاضی (1395). «بررسی سازه‌انگاره و نورنالیستی روابط راهبردی ایران و سوریه (2015-1979)». رهیافت انقلاب اسلامی، ش 35.
- دکمچیان، هرایر (1377). جنبش‌های اسلامی در جهان عرب. ترجمه حمید احمدی. تهران: کیهان، چ سوم.
- دورسون، داود (1381). دین و دولت در دولت عثمانی. ترجمه منصوره حسینی و داود وفاپی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضاپور، حسین (1393). «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل». مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان، شماره 49.
- قاسمی، راضیه (1393). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشور مصر». فرهنگ پژوهش، ش 18.
- قهرمان پور بناب (1379). «رحمان تأثیر انقلاب اسلامی بر تونیس». مطالعات خاور میانه، ش 24.
- قوام، عبدالعلی (1373). سیاستهای مقایسه‌ای. تهران: سمت.
- گرمابدشتی، سکینه (1393). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب الله لبنان». فرهنگ پژوهش، ش 18.
- لیتل جان، استیفن (1384). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه سید اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش. تهران: جنگل.
- محمدی، منوچهر (1386). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم.
- نجفی، فیروز (1387). «تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش شیعیان عراق» پژوهشنامه تاریخ، ش 10.
- النذیر، ارگان جبهه اسلامی سوریه، شماره 18.

- یزدانی، عنایت‌الله، طالب ابراهیمی و یوسف جعفری (1391). «بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه». *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش 28.
- Al-Nazir (1980). Organ of the Syrian Islamic Front, No. 18.
 - Andic, Martin (1992). "The Balance of Power and Position of the United States in the Middle East". *Views and Analysis*, No. 65.
 - Barzegar, Ibrahim (2012). **Theories of the World Reflection of the Islamic Revolution of Iran**. Tehran: Imam Sadiq University Press.
 - Chilcott, Ronald (1999). **Comparisonist Political Theories**. Vahid Bozorgi & Alireza Tayyeb. Tehran: Rasa Cultural Services.
 - Darvishi Sehtalani, Farhad & Hamed Fayyazi (2016). "Structural and Neorealist Study of Strategic Relationships between Iran and Syria (1979-2015)". *Islamic Revolutionary Approach*, No. 35.
 - Decamchian, Heraire (1998). **Islamic Movements in the Arab World**. Translation by Hamid Ahmadi. Third Edition, Tehran: Keyhan.
 - Dursun, Dawoud (2002). **Religion and Government in the Ottoman Government**. Translated by Mansoureh Hosseini and Dawoud Wafa'i. Tehran: Publications Office of the Ministry of Islamic Guidance.
 - Hasib (1994). "The Views of the Head of the Center for Arab Studies and Arabic, and the Secretary General of the Arab National Congress". *The Views and Analyzes of Time*, No 8.
 - Heshmatzadeh, Mohammad Bagher (2006). **The Impact of the Islamic Revolution of Iran on Islamic Countries**. Tehran: Publishing Organization of the Research Center for Islamic Culture and Thought.
 - Imam Khomeini, Ruhollah (2010). **Sahifeh Imam**. Tehran: Institute of Tuning and Impressions of Imam Khomeini (RA), Fifth Edition.
 - Imami, Mohammad Ali (1997). **Politics and Government in Syria**. Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
 - Jafari, Majid (2015). **Syria in Crisis**. Karaj: Abaroon Pub.
 - Little John, Stefan (2005). **Communication Theories**. Translated by Seyed Akbar Mirhoseini & Morteza Nourbakhsh. Tehran: Forest.
 - Mohammadi, Manouchehr (2007). **Islamic Revolution World Reflection**. Tehran: Publishing and Printing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Second Edition.
 - Qavam, Abdulali (1994). **Comparative Politics**. Tehran: Position.
 - Yazdani, Enayatullah; Talib Ebrahimi & Yousef Jafari (2012). "Reflection of the Islamic Revolution on the Syrian Muslim Brotherhood Movement". *Journal of Islamic Revolution Studies*, No. 28.

